

۱۴۱۵ق؛ المعتمد فی شرح المناسک: محاضرات الخوئی (م. ۱۴۱۳ق)، الخلیالی، قم، مدرسة دار العلم، ۴۱۰ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۲۰عق)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ المقنع: الصدوق (م. ۳۸۱ق)، قم، مؤسسه الامام الهادی علیه السلام، ۴۱۵ق؛ المقنع: المفید (م. ۴۱۳ق)، قم، نشر اسلامی، ۴۱۰ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۴۰۴ق؛ مناسک الحج: السید السیستانی، قم، چاپخانه شهید، ۴۱۳ق؛ مناسک الحج: الوحید الخراسانی؛ منتهی المطلب: العلامة الحلّی (م. ۷۲۶ق)، مشهد، آستان قدس رضوی، ۴۱۲ق؛ مواهب الجلیل: الحطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۴۱۶ق؛ الموطأ: مالک بن انس (م. ۱۷۹ق)، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۴۰۶ق؛ نزهة الناظر: یحیی بن سعید حلّی (م. ۶۸۹ق)، به کوشش حسینی و واعظی، نجف، مطبعة الآداب، ۳۸۶ق؛ النهایه: الطوسی (م. ۴۶۰ق)، به کوشش آقا بزرگ تهرانی، بیروت، دار الکتب العربی، ۴۰۰ق.

ابوالقاسم مقیمی حاجی



ازبکستان: کشوری مسلمان در آسیای

میان، دارای نقش مهم در تاریخ حج

هر ساله حدود ۵۰۰۰ تن از مسلمانان ازبکستان حج می گزارند. تاریخ حج مردم ازبک بخشی از تاریخ حج گزاران مردم مناطق

الاربعة و مذهب اهل البيت: عبدالرحمن الجزیری، محمد غروی و مارج یاسر، بیروت، النقلین، ۴۱۹ق؛ قواعد الاحکام: العلامة الحلّی (م. ۷۲۶ق)، قم، نشر اسلامی، ۴۱۳ق؛ الکافی فی الفقه: ابوالصلاح الحلّبی (م. ۴۴۷ق)، به کوشش استادی، اصفهان، مکتبه امیر المؤمنین علیه السلام، ۴۰۳ق؛ الکافی: کلینی (م. ۳۲۹ق)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ کتاب الحج: تقرير بحث الكلایگانی، الصابری، قم، الخيام، ۴۰۰ق؛ كشف القناع: منصور البهوتی (م. ۱۰۵۱ق)، به کوشش محمد حسن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۴۱۸ق؛ كشف اللثام: الفاضل الهندی (م. ۱۱۳۷ق)، قم، نشر اسلامی، ۴۱۶ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق)، قم، ادب الحوزه، ۴۰۵ق؛ المبسوط فی فقه الامامیه: الطوسی (م. ۴۶۰ق)، به کوشش یهودی، تهران، المکتبه المرتضویه؛ المبسوط: السرخسی (م. ۴۸۳ق)، بیروت، دار المعرفه، ۴۰۶ق؛ المجموع شرح المذهب: النووی (م. ۶۷۶ق)، دار الفکر؛ المحلی بالآثار: ابن حزم الاندلسی (م. ۴۵۶ق)، به کوشش احمد شاکر، بیروت، دار الفکر؛ المختصر النافع: المحقق الحلّی (م. ۶۷۶ق)، تهران، البعثه، ۴۱۰ق؛ مختلف الشیعه: العلامة الحلّی (م. ۷۲۶ق)، قم، النشر الاسلامی، ۴۱۲ق؛ مدارک الاحکام: سید محمد بن علی الموسوی العاملی (م. ۱۰۰۹ق)، قم، آل البيت علیهم السلام، ۴۱۰ق؛ المدونه الكبرى: مالک بن انس (م. ۱۷۹ق)، مصر، مطبعة السعاده؛ المراسم العلویه: سلاز حمزة بن عبدالعزيز (م. ۴۴۸ق)، به کوشش حسینی، قم، المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام، ۴۱۴ق؛ مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام: الشهید الثانی (م. ۹۶۵ق)، قم، معارف اسلامی، ۴۱۶ق؛ مستند الشیعه: احمد التراقسی (م. ۱۲۴۵ق)، قم، آل البيت علیهم السلام،

تاریخی ماوراء النهر و ترکستان را شامل می‌شود.

◀ جغرافیای طبیعی و انسانی:

ازبکستان کشوری است در آسیای میانه که از شمال با قزاقستان، از شرق با قرقیزستان و تاجیکستان، از جنوب با افغانستان، و از غرب با ترکمنستان همسایه است. مساحت این کشور ۴۴۷۴۰۰ کیلومتر مربع است. این کشور به ۱۲ استان و یک جمهوری خودمختار به نام قره‌قالپاق قسمت شده و پایتخت آن تاشکند است.^۱ در این سرزمین پنج زبان رواج دارند و اقوام ساکن در آن به این زبان‌ها سخن می‌گویند: ازبکی، روسی، قزاقی، تاجیکی و تاتاری. زبان رسمی ازبکی است و خط رسمی، روسی.^۲ جمعیت این کشور حدود ۲۸ میلیون تن است که نزدیک به ۸۵ درصد آنان مسلمان هستند.^۳ (تصویر شماره ۳)

◀ تاریخ ازبکستان: ازبکستان امروزی

بیشتر منطقه تاریخی ماوراء النهر را در بر گرفته و در گذشته بخشی از ترکستان بزرگ به شمار می‌رفته است. پیش از ورود اسلام به ماوراء النهر، این منطقه زیر حاکمیت

پادشاهی‌های هخامنشی، سلوکی، کوشان‌ها و ساسانیان و در دوره‌هایی زیر سلطه اقوام ترک بود.^۴

فتح ماوراء النهر در دوران خلافت عثمان آغاز شد و سال‌ها ادامه یافت. مسلمانان به بیشتر شهرهای این نواحی چند بار حمله کردند و هر بار به جای فتح کامل منطقه، به بستن پیمان و دریافت جزیه بسنده نمودند.^۵ تا پیش از قدرت یافتن سامانیان در سده سوم ق. قدرت سیاسی در ماوراء النهر ساختاری ملوک الطوائفی داشت و شاهان محلی در قلمرو کوچک خود قدرت داشتند، هر چند خراج‌گزار خلافت اسلامی و تابع حکمرانان خراسان بودند.^۶ پس از سامانیان، قراخانیان، قراختیایان، خوارزمشاهیان، مغولان و تیموریان بر ماوراء النهر حاکم شدند.^۷

در سده دهم ق. شیانیان ازبک که فرزندان شییان پسر جوچی و از نوادگان چنگیزخان مغول بودند، بر ماوراء النهر چیره شدند. آنان پیشتر در سیبری حاکم بودند. محمد خان شیانی با بهره بردن از اختلاف شاهزادگان

۴. نک: خراسان و ماوراءالنهر، ص ۸۱-۱۷۱.

۵. البلدان، ص ۱۲۳؛ ترکستان نامه، ج ۱، ص ۴۰۷-۴۰۹.

۶. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۸۱-۸۸؛ ترکستان نامه، ج ۱، ص ۴۱۳.

۷. العرب و الاسلام، ص ۹۱، ۱۰۹، ۱۵۵-۱۵۷، ۱۷۳، ۱۸۹؛ تاریخ آسیای مرکزی، ص ۱۲۶، ۱۶۹؛ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۲۰-۱۵۳.

۱. ویژگی‌های جغرافیایی آسیای میانه، ص ۱۴، ۷۷، ۸۰.

۲. ویژگی‌های جغرافیایی آسیای میانه، ص ۱۱۲؛ جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، ص ۱۰۰.

۳. جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، ص ۱۰۴؛ www.worldatlas.com

تیموری، به ماوراء النهر لشکر کشید.^۱ وی با تصرف بخارا به سال ۹۰۶ق. و سمرقند به سال ۹۰۷ق. سلطه خود را بر ماوراء النهر تثبیت کرد و با تصرف هرات^۲ به سال ۹۱۲ق. آخرین پایگاه تیموریان را تسخیر نمود.^۳ بدین سان، با کوچ قوم ازبک شیبانی به ماوراء النهر، نام ازبکستان برای این سرزمین رواج یافت.^۴

تا دوران سلطه روسیه در سده نوزدهم م. دو سلسله جانیان در سال ۱۰۰۷ق. و منغیتیان در سال ۱۲۰۰ق. جانشین شیبانیان شدند.^۵ افزون بر بخارا که مرکز این سلسله‌ها بود، دو خان‌نشین خیوه و خوقند نیز به طور مستقل به زندگانی خود ادامه می‌دادند.^۶ اختلاف‌های همیشگی میان سه خان‌نشین خیوه، خوقند و بخارا به تضعیف هر چه بیشتر خانان سه گانه و تصرف ماوراء النهر به دست نیروهای روسیه تزاری انجامید. در نیمه دوم سده نوزدهم م. ماوراء النهر به طور کامل زیر سلطه نیروهای روسیه قرار گرفت و خان‌نشین خوقند یکسره از میان رفت و خان‌نشین‌های خیوه و بخارا زیر نظر روسیه درآمدند و بخشی از استان ترکستان

بزرگ روسیه شدند.^۷

در چند سال اول پس از انقلاب ۱۹۱۷م. در روسیه، آسیای میانه رخدادهای سیاسی گسترده و شتابانی را از سر گذراند که سرانجام به فروپاشی خان‌نشین‌های بخارا و خیوه و سلطه کامل بلشویک‌ها بر ناحیه ماوراء النهر و تشکیل سه دولت ترکستان، بخارا و خیوه انجامید. این سه دولت به سال ۱۹۲۴م. در دوران حکومت استالین به هم پیوستند و جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبک را تشکیل دادند. این جمهوری به سال ۱۹۲۵م. به اتحاد جماهیر شوروی پیوست و بعدها به سال ۱۹۲۹م. جمهوری تاجیکستان از آن جدا شد.^۸

ازبکستان به سال ۱۹۹۱م. از اتحاد جماهیر شوروی جدا گشت و جمهوری ازبکستان تشکیل شد. قانون اساسی این کشور در سال ۱۹۹۲م. به تصویب رسید.^۹

◀ **حج گزاری ازبکستان:** سلطه محمد خان شیبانی بر ماوراء النهر به سال ۹۰۶ق. را باید سرآغاز تاریخ حج گزاری مردم ازبکستان دانست؛ زیرا در این هنگام حج ماوراء النهر

۱. العرب و الاسلام، ص ۲۹۳-۲۹۵؛ تاریخ ایران، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۲. تاریخ راقم، ص ۸۱-۸۵.

۳. تاریخ بخارا، خوقند و کاشغر، ص ۱۸-۱۹.

۴. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۱۲.

۵. تذکره مقیم‌خانی، ص ۱۲۴-۱۲۶؛ تاریخ دولت‌های اسلامی،

ج ۲، ص ۴۸۰، ۴۸۲.

۶. تاریخ اسلام، ص ۶۳۴-۶۴۴.

۷. خاطره‌های امیر عالم خان، ص ۲۲-۲۴، ۳۳-۳۵؛ العرب و

الاسلام، ص ۳۷۰-۳۷۴؛ تاریخ اسلام، ص ۶۶۱-۶۷۱.

۸. العرب و الاسلام، ص ۳۹۵-۴۰۰؛ تاریخ روسیه شوروی، ج ۱،

ص ۴۰۰-۴۰۷.

۹. العرب و الاسلام، ص ۴۱۹؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸،

ص ۲۲.

مستقل شد و راه حج مردمان این ناحیه از راه حج ایرانیان جدا گشت. راه مسافران حج ماوراء النهر تا پیش از غلبه ازبکان، از ایران می‌گذشت که همان راه اصلی خراسان بزرگ بود و شرق ایران را به غرب آن پیوند می‌داد. حاجیان با گذر از ری، همدان و کرمانشاه به سوی بغداد رهسپار می‌شدند. سپس در بغداد اقامت می‌کردند تا همه کاروان‌ها از کشورهای گوناگون گرد آیند و با هم به سوی مکه حرکت کنند.^۱

آنچه درباره تاریخ حج ماوراء النهر پیش از سلطه شیعیان شایان توجه است، موقعیت خاص دینی شهرهای این منطقه مانند سمرقند و بخارا است. بسیاری از دانشمندان نام‌آور علوم دینی از میان مردم این نواحی برخاسته‌اند و بخشی از زندگی علمی و روحانی این دانشوران را سفر حج تشکیل می‌داده است.

افزون بر آن، بسیاری از دانشوران مجاور حرمین، از اهالی ماوراء النهر بوده‌اند. نام‌آورترین نمونه آنان، محمد بن اسماعیل بخاری (۱۹۴-۲۵۶ق.) نویسنده کتاب صحیح است.^۲ جز او می‌توان از محمد بن محمد بخاری (۸۱۸-۸۹۵ق.) امام مقام حنفیان^۳، محمد بن محمد بن محمود بخاری

(۷۴۶-۸۲۲ق.)^۴، محمد بن اسحاق خوارزمی (م. ۸۲۷ق.) نویسنده کتاب *اثرات الترغیب و التشویق* در تاریخ مکه^۵ و محمد بن عبدالباقی بخاری (زنده در ۹۹۱ق.) قاضی و خطیب مسجدالنبی^۶ یاد کرد.

برخی از خاندان‌های اهل ماوراء النهر که ساکن حرمین بودند، از بزرگان دینی مکه و مدینه به حساب می‌آمدند. محمد بن محمد خوارزمی (م. ۸۱۳ق.) مشهور به معید و فرزندان او که امامت حنفیان در مسجدالحرام را در سده هشتم و نهم ق. بر عهده داشتند، از این شمارند.^۷ برخی از افراد خاندان خجندی نیز امام حنفیان در مسجد نبوی بودند. نخستین فرد این خاندان، احمد بن محمد حنفی (م. ۸۰۳ق.) است.^۸ در سده دوازدهم ق. نیز گروهی از خاندان بخارایی که فرزندان محسن بن حسین بخاری (م. ۱۰۸۰ق.) بودند، در شمار امامان مسجدالحرام جای داشتند.^۹

درباره اهتمام پادشاهان این سرزمین به حج می‌توان به ارسال سالانه هدایا به دست نوح سامانی به مکه^{۱۰} و نیز تهیه پوشش کعبه به

۴. الدر الکمین، ج ۱، ص ۴۰۰.

۵. نشر الریاحین، ج ۲، ص ۷۲۸.

۶. التاریخ و المورخون، ص ۱۹۳.

۷. العقد الثمین، ج ۲، ص ۳۴۹-۳۵۲؛ الدر الکمین، ج ۱، ص ۵۵۴.

۸. تحفة المعبین، ص ۲۰۷-۲۰۸.

۹. تحفة المعبین، ص ۱۰۸-۱۰۹.

۱۰. تاریخ بخارا، ص ۳۵۵؛ ترجمه تاریخ یمینی، ص ۳۶.

۱. تاریخ حجگزاری ایرانیان، ص ۳۳-۳۴.

۲. البدایة و النهایة، ج ۱۱، ص ۲۵-۲۷.

۳. الدر الکمین، ج ۱، ص ۳۵۲.

نامه‌ای است که محمد خان به اسماعیل صفوی نوشت و در آن بازگشایی راه حج و تصرف سرزمین‌های مسیر حج تا مکه و مدینه را هدف لشکرکشی‌های خود اعلام کرد.^۵ سال‌ها بعد در دوران شاه عباس صفوی، حاکم هرات در نامه‌ای به نمایندگی از شاه ازبک، باز شدن راه حج برای حاجیان ازبکی را از دربار ایران خواستار شد و این موضوع را بهانه‌ای برای مذاکرات صلح قرار داد.^۶ ازبکان در مذاکرات رسمی خود با دولت عثمانی، افزون بر لزوم نبرد با رافضیان، بازگشایی راه حج را از انگیزه‌های خود برای تهاجم به ایران اعلام می‌کردند.^۷

راه اصلی که از این دوران جایگزین راه ایران شد، حاجیان را از شمال دریای خزر به سوی قلمرو عثمانی می‌برد. حاجیان ماوراء النهر خود را به ساحل شرقی دریای خزر می‌رساندند و با کشتی پهنای دریا را می‌پیمودند یا با عبور از سرزمین‌های خان‌های شمال دریای خزر به بندر آستاراخان یا بندر دربند می‌رفتند و از طریق رود ولگا یا رود تریک یا سفر از راه خشکی، خود را به یکی از بندرهای دریای سیاه می‌رساندند و با کشتی به

دست شاهرخ تیموری (حک: ۸۰۷-۸۵۰ق.) اشاره کرد که به سال ۸۴۸ق. بر کعبه نصب شد.^۱ از کسانی که در تاریخ حج ماوراء النهر چهره‌ای برجسته به شمار می‌روند، امیر علی شیر نوایی است که از سوی حسین بایقرا نشان حج داشت و امیر حاجیان بود.^۲

◀ حج در دوران حاکمیت ازبک‌ها:

از آغاز سده دهم ق. در جغرافیای سیاسی ماوراء النهر و ایران تغییراتی روی داد که اثری مستقیم بر شیوه حج مردم این ناحیه گذاشت و حج آنان را به گونه کامل از ایرانیان جدا کرد. بر سر کار آمدن دولت شیعی صفوی در ایران به سال ۹۰۷ق. هم‌زمان با تصرف بخارا به دست محمد خان شیبانی در سال ۹۰۶ق. و پیشروی این قوم در خاک خراسان روی داد. در بیشتر دوران حکومت صفویان، ازبک‌ها با ایران در نبرد بودند. نخستین پیامد این رویداد، بسته شدن مسیر اصلی کاروان‌های حج ماوراء النهر از داخل ایران بود.^۳ در برخی از نامه‌هایی که از سوی ازبک‌ها به دربار ایران فرستاده می‌شد، بازگشایی راه حج یا وسیله تهدید بود یا بهانه‌ای برای صلح.^۴ از آن میان،

۱. انحصاف السوری، ج ۴، ص ۲۳۸-۲۳۹؛ النجوم الزاهرة، ج ۱۵، ص ۳۶۴.

۲. پژوهشی درباره مکتوبات تاریخی، ص ۱۱۶-۱۱۷.

۳. مقالات تاریخی، دفتر ۱۷، ص ۱۰۴.

۴. برای نمونه: شاه اسمعیل صفوی، ص ۷۸؛ نقاوة الآثار، ص ۴۱۶.

۵. عالم آرای صفوی، ص ۲۵۸-۲۵۹.

۶. شاه عباس، ج ۱، ص ۱۸۴-۱۸۵.

۷. تذکره مقیم‌خانی، ص ۱۰۶؛ شاه طهماسب صفوی، ص ۳۱۶-۳۱۷.

۳۱۷: تاریخ حجگزاری ایرانیان، ص ۱۴۰.

استانبول سفر می‌کردند^۱ و سپس به مصر یا شام سفر نموده، با کاروان حاجیان همراه می‌شدند. دوستی دولت عثمانی و شاهان ازبک که نتیجه دشمنی مشترکشان با ایران بود، باعث شد دولت عثمانی درباره حج ازبک‌ها حساسیت نشان دهد و امکان حرکت آن‌ها از مسیر شمال دریای خزر و استانبول را فراهم کند. کمک‌های دولت عثمانی شامل حمایت از حاجیان در راه مانده، یاری رساندن به مردم آسیای میانه ساکن در مکه و همچنین پشتیبانی سیاسی و نظامی از کاروانیان و شخصیت‌های علمی و سیاسی بود که از طریق سرزمین عثمانی به حج می‌رفتند.^۲

راه دیگر، سفر دریایی از بمبئی به جده بود.^۳ اما این راه نیز به سبب دوستی دولت هند با ایران در دوران صفوی و دشمنی هندی‌ها با ازبکان، گاه بر روی مسافران حج ترکستان بسته می‌شد و آن‌ها ناچار می‌شدند از همان مسیر پیش گفته بگذرند.^۴

با وجود این، باید در نظر داشت که مسیر ایران برای حاجیان ازبکی همواره بسته نبود و

گاه که دولت ایران با خانات ازبکی در صلح بود، حاجیان ماوراءالنهر از مسیر ایران برای رسیدن به عراق بهره می‌بردند. امام قلی خان سلطان ماوراءالنهر (حک: ۱۰۲۰-۱۰۵۱ق.) پس از این که به نفع برادرش از قدرت کناره گرفت، از طریق ایران راهی سفر حج شد. شاه عباس دوم (حک: ۱۰۵۲-۱۰۷۳ق.) حاکم تهران را مسئول پذیرایی از او کرد و با ورود امام قلی به قزوین، جشنی بزرگ برایش تدارک دید و هزینه سفر وی را پرداخت و فرمان داد تا حاکمان مناطق مسیر حرکت او نیازهایش را برآورند.^۵ امام قلی خان تا پایان عمر در مدینه ماند.^۶ ندر محمد خان (حک: ۱۰۵۱-۱۰۵۵ق.) نیز در پایان عمر راهی حج شد؛ اما در میانه راه در مرو/سمنان درگذشت و پیکرش را بر پایه وصیتش به مدینه فرستادند و همان جا به خاک سپردند.^۷ به سال ۱۰۹۳م. نیز عبدالعزیز خان شاه ازبک که روابطی نیکو با شاه سلیمان صفوی داشت، از طریق ایران به حج رفت.^۸

پس از دوران صفویان نیز ایران از مسیرهای اصلی حاجیان آسیای میانه بوده است. آرمینیوس و امبری (Arminius Vambery)

۱. میقات حج، ش ۵۴، ص ۱۷۷، «حجاج ترکستان، راه‌ها و دشواری‌ها».

۲. میقات حج، ش ۵۴، ص ۱۸۷-۱۹۹، «حجاج ترکستان، راه‌ها و دشواری‌ها».

۳. پژوهشی درباره مکتوبات تاریخی، ص ۱۱۸.

۴. سیاحت درویش دروغین، ص ۱۸۴؛ میقات حج، ش ۵۴، ص ۱۸۴، «حج ترکستان، راه‌ها و دشواری‌ها».

۵. عباس‌نامه، ص ۳۲-۳۹.

۶. تذکره مقیم‌خانی، ص ۱۵۴-۱۵۵.

۷. تذکره مقیم‌خانی، ص ۱۶۹-۱۷۰؛ عباس‌نامه، ص ۱۴۶-۱۴۷.

۸. میقات حج، ش ۵۴، ص ۱۸۶-۱۸۷، «حجاج ترکستان، راه‌ها و دشواری‌ها».

هر چند در دوران حضور وامبری در ایران این مالیات لغو شده بود، حاجیان ترکستانی از این که حاکم همدان این مالیات را از آنان به ناحق گرفته، شکایت داشتند.^۴

در این دوران نیز حاجیان ترکستانی از حمایت دولت عثمانی بهره می گرفتند. برای نمونه، این کاروانها در تهران که در مسیر سفر بود، از کنسولگری عثمانی کمکهای مالی دریافت می کردند. به گفته وامبری، مردم شیعه ایران از کمک به کاروانهای آسیای میانه خودداری می نمودند و حاجیان ترکستان به کمکهای دولت عثمانی سخت نیاز داشتند.^۵

در سفرنامه وامبری، به برخی از آداب سفر حاجیان ترکستانی اشاراتی اندک شده است؛ از جمله سوغاتی که این حاجیان از مکه می آوردند و شامل عطرها با ارزش مکه مانند جوهر گل سرخ بود.^۶ کاروانی که وامبری با آنان همراه شده بود، ۴۵ مسافر مرد داشت. آنان که بیشتر مردمانی فقیر و بسیار ساده بودند، راه را با دشواری فراوان، پیاده و سواره می پیمودند.^۷ آن گاه که کاروان در منطقه ماوراء النهر به آبادی می رسید، با استقبال گرم مردم روبه رو می شد. مردم باور

خاورشناس مجارستانی (۱۸۳۲-۱۹۱۳م.) که به سال ۱۲۸۰/۱۸۶۳ق. در تهران حضور داشته و از آنجا همراه کاروان حاجیان ترکستانی به آسیای میانه سفر کرده، آگاهی هایی ارزشمند از سفر حج ترکستانی هایی که از ایران می گذشتند، به دست داده است. کاروانیانی که وی با آنان همراه شد، پس از گذشتن از ساری و بخشی از دریای خزر، در ساحل شرقی دریا پیاده شدند و راه خود را به سوی خوارزم و بخارا و سمرقند پی گرفتند.^۱ وامبری در بازگشت نیز با عبور از هرات به سوی مشهد و سپس تهران رفت.^۲

مشکل اصلی راه حج ماوراء النهر در این دوران، دشواری و خطرناکی آن بود. عبور از سرزمین های بدون آبادی در ماوراء النهر و نیز برخورد با قبایل گوناگون ترکمن که در سرزمین های شمال ایران ساکن بودند و برخی به غارت و اسیر کردن کاروانیان شهرت داشتند، از جمله این مشکلات بود.^۳ عبور از سرزمینی شیعه نشین برای حاجیان ترکستانی مشکلی دوچندان پدید می آورد. به گفته وامبری، دولت ایران از مردم سنی مذهب خود مالیاتی می گرفت که شامل مسافران نیز می شد.

۴. سیاحت درویش دروغین، ص ۲۵.

۵. سیاحت درویش دروغین، ص ۲۴.

۶. سیاحت درویش دروغین، ص ۵۷.

۷. سیاحت درویش دروغین، ص ۳۹.

۱. سیاحت درویش دروغین، ص ۵۰-۵۸، ۱۶۷-۱۶۸، ص ۲۲۷، ۲۷۲.

۲. سیاحت درویش دروغین، ص ۳۶۷، ۳۷۴.

۳. سیاحت درویش دروغین، ص ۳۱.

داشتند که هنوز تربت حرمین بر لباس حاجیان باقی است؛ پس با شور و حرارت آنان را در آغوش می کشیدند.^۱

وامبری از اشتیاق مردم ترکستان به حج خبر داده است.^۲ وی همچنین از تأثیر حج در رشد تجارت این مناطق سخن گفته است. کاروانی که وامبری در بازگشت به سوی ایران با آن همراه شده بود، مقداری فراوان پارچه، چاقو و ابریشم برای فروش داشته است.^۳

◀ حج ازبکستان در دوران سلطه

روسیه: با تصرف منطقه آسیای میانه و شهرهای ازبکستان در سالهای نیمه دوم سده نوزدهم م. مسلمانان این نواحی از شهروندان امپراتوری بزرگ روسیه شدند. حج مسلمانان روسی، از نظر مقامات حکومت تزاری، اهمیت سیاسی داشت. موسم حج هنگام همایش مسلمانان کشورهای اسلامی بود که بسیاری از آنان زیر تصرف کشورهای استعمارگر قرار داشتند. مکه مکان تبادل اندیشه‌های ضد استعماری و اسلام‌گرایانه و عامل اتحاد مسلمانان کشورهای زیر سیطره روسیه بود.^۴ دولت‌های استعمارگر رابطه‌ای میان حج و شورش‌های ملی و اسلامی در میان

شهروندان مسلمان می‌دیدند.^۵ نقش حج در نشر گزارش‌های شهروندان مسلمان روسیه تا آنجا اهمیت داشت که دولت روسیه در پی شورش‌هایی که به سال ۱۹۰۳ م. در فرغانه برپا شد، حج ترکستانی‌ها را ممنوع اعلام کرد تا گزارش‌های این رخداد میان مسلمانان پخش نشود.^۶

اهمیت سیاسی حج برای روس‌ها آنان را به اعزام مأمورانی با هدف بررسی مراسم حج و تأثیرات سیاسی و اجتماعی آن واداشت. از کسانی که به این مأموریت گسیل شدند، عبدالعزیز دولت‌شین افسر مسلمان روسی بود که سال‌ها در قلعه‌ای در آسیای میانه خدمت کرد و به سال ۱۸۹۸ م. با دستور وزیر جنگ روسیه به حج رفت تا تأثیرات سیاسی این مراسم بر منافع روسیه را ارزیابی کند.^۷ خاطرات و گزارش‌های محرمانه او هسته اصلی کتاب *الحج قبل مئة سنة* را تشکیل می‌دهد که حاوی چند سند و مقاله دیگر از حج مسلمانان روسی به سال‌های پایانی سده نوزدهم م. نیز هست.

گرفتاری اصلی مسلمانان آسیای میانه و دیگر شهروندان روس، گرفتن گذرنامه برای

۵. الحج قبل مئة سنة، ص ۱۳؛ میقات حج، ش ۵۵، ص ۱۹۵، «حجاج ترکستان، راه‌ها و دشواری‌ها».

۶. میقات حج، ش ۵۵، ص ۲۰۱، «حجاج ترکستان، راه‌ها و دشواری‌ها».

۷. الحج قبل مئة سنة، ص ۳۱.

۱. سیاحت درویش دروغین، ص ۶۹-۷۰.

۲. سیاحت درویش دروغین، ص ۵۰۱.

۳. سیاحت درویش دروغین، ص ۵۲۲-۵۲۳.

۴. تلیق الاخبار، ج ۲، ص ۳۳۴؛ الحج قبل مئة سنة، ص ۱۳، ۳۱۳.

مخصوصی بودند که به اسکان و راهنمایی حاجیان و برآوردن نیازهایشان می پرداختند. حاجیان به فراخور قومیت خود میان این مطوفان قسمت می شدند.^۶ مطوفان و راهنمایان و گروه‌هایی که در مکه و مدینه ساکن بوده‌اند، با سرزمین آسیای میانه ارتباط داشتند. برای مثال، به سال ۱۸۹۴م. برخی از مطوفان به بخارا و ترکستان رفتند تا ساکنان آن سرزمین را برای حج تشویق کنند.^۷

ثروتمندان اقوام گوناگون روس در مکه برای حاجیان مکان‌هایی ساخته بودند که به تکیه معروف بود و حاجیان در مدت اقامت در مکه، به تناسب قومیت خود، در یکی از آن‌ها ساکن می شدند.^۸ حاجیان روسی حدود هشت تکیه در مکه داشتند. یکی از مسافران حج که به سال ۱۸۹۵م. به مکه رفته بود، از وجود تکیه مخصوص مسلمانان آسیای میانه، نزدیک خانه حکمران مکه خبر داده است.^۹ در منابع این دوره، گزارش سکونت شماری فراوان از مردم بخارا به چشم می خورد.^{۱۰}

در این دوران، دو راه اصلی برای مسافران حج آسیای میانه از جمله ازبک‌ها وجود داشت. راه آسان‌تر، کوتاه‌تر و رسمی‌تر، شمال

سفر حج بود. به طور مثال، در سالی که دولت‌شین به حج رفت، کنسول روسیه در استانبول دستور داده بود تا مسئولان گمرک این شهر گذرنامه مسلمانان روسیه را از آنان بگیرند. کنسولگری تنها در صورتی گذرنامه را بازمی‌گرداند که در آن ذکری از مکه نیامده باشد.^۱ یکی از بهانه‌های دولت روسیه برای جلوگیری از حج، رواج بیماری‌های واگیردار در مکه و مدینه بود. در سال‌هایی که خبر شیوع بیماری‌ها به گوش می‌رسید، صدور جواز حج برای چند سال تعطیل می‌شد.^۲ این ممنوعیت‌ها و همچنین پیچیدگی و زمان‌گیر بودن مراحل صدور گذرنامه حج در سازمان اداری روسیه، شهروندان مسلمان مشتاق حج را به فکر تهیه گذرنامه با روش‌های غیر قانونی انداخت.^۳ آنان گذرنامه‌های قدیمی مردم کشورهای دیگر را می‌خریدند که آن نیز به سبب سودجویی دلالان، هزینه‌ای بسیار بر آن‌ها تحمیل می‌کرد.^۴ گاه نیز از دولت روسیه برای مقصدی دیگر جز مکه تقاضای گذرنامه می‌کردند تا بتوانند از روسیه بیرون آیند.^۵

برای مردم روسیه در مکه مطوفان

۱. الحج قبل مئة سنة، ص ۶۱-۶۲

۲. الحج قبل مئة سنة، ص ۱۹.

۳. الحج قبل مئة سنة، ص ۱۹.

۴. الحج قبل مئة سنة، ص ۱۹.

۵. میقات حج، ش ۵۵، ص ۱۹۶، «حجاج ترکستان راه‌ها و دشواری‌ها»: تلیق الاخبار، ج ۲، ص ۳۳۴.

۶. الحج قبل مئة سنة، ص ۲۴، ۳۰.

۷. الحج قبل مئة سنة، ج ۲۴.

۸. الحج قبل مئة سنة، ص ۵۹.

۹. الحج قبل مئة سنة، ص ۳۰۱.

۱۰. الحج قبل مئة سنة، ص ۸۷، ۳۰۵: سفرنامه حجاج، ص ۱۳۴.

ماوراء النهر و عبور از دریای خزر بود. مسافران از طریق بندر آستاراخان به سوی دریای سیاه می‌رفتند یا از راه بندر باکو و با بهره‌گیری از طریق خط آهن قفقاز به بندر باطوم و سپس به استانبول و مصر رهسپار می‌شدند.^۱ باکو برای ساکنان آسیای میانه بیشتر معمول بود.^۲ راه دیگر برای این مسافران، عبور از افغانستان و رفتن به سوی بمبئی و از آن‌جا سفر دریایی در اقیانوس هند برای رسیدن به جده بود.^۳ بسیاری از مسافران حج ترکستانی، این مسیر را بر راه نخست ترجیح می‌دادند. این به دلیل دشواری گرفتن گذرنامه بود که برای سفر از سرزمین‌های روسیه و عثمانی به آن نیاز داشتند.^۴

◀ دوران حکومت کمونیسم در

شوروی: تاریخ حج روس‌ها در دوران حکومت کمونیسم را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: تا هنگام جنگ جهانی دوم، به ویژه در دوران حکومت استالین که سیاست‌های ضد دین سخت‌پیکیری می‌شد، حج مسلمانان روسیه به طور کامل ممنوع بود.^۵ در سال‌های آغاز حکومت کمونیستی، شورش‌های داخلی بر ضد حکومت در منطقه ماوراء النهر در حج

تأثیر داشت. در دوران کمونیست‌ها، در فاصله سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰م. دولت شورایی تاشکند با شورشیان باسماچی در منطقه فرغانه درگیر نبود. در همین سال‌ها، گروهی پرشمار از مردم ترکستان به بهانه حج از کشور بیرون می‌رفتند و در عربستان ساکن می‌شدند. آنان زندگی خود را ترک می‌کردند و دیگر به کشور بازمی‌گشتند.^۶ با افزایش سیاست‌های ضد دینی در شوروی، سفر حج نیز با تنگنا روبه‌رو شد. تنها آن‌گاه که سیاست خارجی شوروی در پی نشان دادن آزادی در داخل کشور بود، گروه‌هایی اجازه حج می‌یافتند.^۷ پس از جنگ جهانی دوم، دولت کمونیستی در حرکتی تبلیغاتی از سال ۱۹۴۵م. به فرستادن هیئتی از روسیه به حج پرداخت. اما این هیئت تنها حدود ۳۰ تن را شامل می‌شد که عالمان و امامان مساجد مورد تأیید حکومت بودند.^۸ پس از اصلاحات دوران گورباچف، شمار حاجیان کشور شوروی بیشتر شد.^۹

◀ حج در دوران کنونی: با فروپاشی

شوروی و استقلال ازبکستان، از سال ۱۹۹۰م. اجرای مراسم دینی در این کشور آزاد شده و

۶. میقات حج، ش ۵۵، ص ۲۰۳، «حجاج ترکستان، راه‌ها و دشواری‌ها».

۷. تاریخ اسلام، ص ۸۲۶.

۸. الحج قبل مئة سنة، ص ۲۹؛ سیمای فرهنگی ازبکستان، ص ۷۰.

۹. میقات حج، ش ۵۵، ص ۲۰۴، «حجاج ترکستان، راه‌ها و دشواری‌ها».

۱. الحج قبل مئة سنة، ص ۱۹، ۲۶۵-۲۶۶.

۲. الحج قبل مئة سنة، ص ۲۰۰.

۳. الحج قبل مئة سنة، ص ۱۸.

۴. الحج قبل مئة سنة، ص ۱۸.

۵. الحج قبل مئة سنة، ص ۲۹.

پژوهشی درباره مکتوبات تاریخی فارسی ایران و ماوراء النهر (صفویان، اوزبکان و امارات بخارا) همراه گزیده مکتوبات: منصور صفت گل، نویاکی کندو، زاین، مؤسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا، دانشگاه مطالعات خارجی توکیو، ۱۳۸۵ش؛ تاریخ اسلام (دانشگاه کمبریج): زیر نظر هولت، لمبتون، ترجمه: احمد آرام، امیر کبیر، ۱۳۷۸ش؛ تاریخ ایران، دوره تیموریان: دانشگاه کمبریج، ترجمه: آژند، تهران، جامی، ۱۳۷۹ش؛ تاریخ آسیای مرکزی در دوران اسلام: غلامرضا وهرام، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ش؛ تاریخ بخارا، خوقند و کاشغر: شمس بخارایی، به کوشش محمد اکبر عشیق، تهران، آینه میراث، ۱۳۷۷ش؛ تاریخ بخارا: محمد نرشی، (م. ۳۴۸ق.)، به کوشش رضوی، تهران، توس، ۱۳۶۳ش؛ تاریخ حج‌گزاری ایرانیان: اسراء دوغان، تهران، شعر، ۱۳۸۹ش؛ تاریخ دولت‌های اسلامی و خاندان‌های حکومتگر: استانی لین پل و دیگران، ترجمه: صادق سجادی، تهران، تاریخ ایران، ۱۳۷۵ش؛ تاریخ راقم: میر سید شریف راقم سمرقندی (م. قرن ۱۲ق.)، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، بنیاد موقوفه‌های دکتر محمود افشار، ۱۳۸۰ش؛ تاریخ روسیه شوروی انقلاب بلشویکی: ای اچ کار، ترجمه نجف دریابندری، تهران، زنده‌رود، ۱۳۷۱ش؛ التاریخ و المورخون: محمد الحیب الهیله، مکه، مؤسسه الفرقان، ۱۹۹۴م؛ تحفة المحبین و الاصحاب: عبدالرحمن الانصاری (م. ۱۱۹۵ق.)، به کوشش العروسی، تونس، المكتبة العتیقه، ۱۳۹۰ق؛ تذکره مقیم‌خانی: محمد یوسف منشی، به کوشش صرافان، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۰ش؛ ترجمه تاریخ یمینی: ابو الشرف ناصح جرفادقانی (م. قرن ۱ق.)، به کوشش جعفر شعار، تهران، نشر کتاب، ۱۳۵۷ش؛ ترکستان‌نامه: بارتولد، ترجمه: کشاورز، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲ش؛ تلفیق الاخبار و تلفیح الآثار فی وقایع قزآن و بلغار و

همه ساله حدود ۵۰۰۰ حج‌گزار از کشور ازبکستان راهی مکه می‌شوند.^۱ خواستاران حج باید در اداره دولتی ویژه این کار ثبت نام کنند و از طریق هوایی به مکه اعزام شوند. با وجود این، امروزه انتقادهایی درباره حج ازبکستان وجود دارد. با این که سهمیه دولت عربستان بسیار بیشتر از این شماره است، زمینه اعزام همه آن‌ها وجود ندارد؛ از جمله به این دلیل که هزینه حج در این کشور بسیار بالا است. این هزینه اکنون حدود ۲۷۰۰ دلار است.^۲ برخی از منتقدان، حکومت ازبکستان را مسئول این وضعیت می‌دانند. آنان با توجه به فعالیت‌های گروه‌های بنیادگرای اسلامی که با دولت ازبکستان در ستیز هستند و از سوی دولت عربستان حمایت می‌شوند،^۳ هراس حکومت ازبکستان از نفوذ اندیشه‌های بنیادگرایانه در منطقه را عامل سختگیری در روند حج مردم این کشور می‌دانند.^۴

◀ منابع

اتحاف الوری: عمر بن محمد بن فهد (م. ۸۸۵ق.)، به کوشش عبدالکریم، مکه، جامعه ام القری، ۱۴۰۸ق؛ البدایة و النهایة: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، بیروت، مکتبة المعارف؛ البلدان: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق؛

۱. حج ۲۶، ص ۲۷۹.

۲. حج ۲۹، ص ۴۹۲.

۳. جنبش اسلامی ازبکستان، ص ۴۳.

ملوک التتار: الرمزی، تهران، آموزش انقلاب اسلامی؛ جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی: غلامرضا گلی زواره، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۳ش؛ جنبش اسلامی ازبکستان: یوسف وصالی مزین، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۵ش؛ حج ۲۶: محمد حسین رجبی، تهران، مشعر، ۱۳۸۵ش؛ حج ۲۹: حجت الله بیات و سید حسین اسحاقی، تهران، مشعر، ۱۳۸۸ش؛ الحج قبل مئة سنة: یفیم ریظفان، بیروت، دار التقریب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۹۹۳م؛ خاطره‌های امیر عالم خان (تاریخ حزن الملل): امیر عالم خان، به کوشش احرار مختارف، تهران، مرکز مطالعات ایران، ۱۳۷۳ش؛ خراسان و ماوراء النهر: آ. بلینتسکی، ترجمه: ورجاوند، تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۴ش؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی: زیر نظر بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ، ۱۳۷۲ش؛ الدر الکمین بذیل العقد الثمین، عمر بن فهد المکی (م. ۵۵۸ق.)، به کوشش ابن دهیش، مکه، مکتبه الاسدی، ۱۴۲۵ق؛ مقالات تاریخی: رسول جعفریان، قم، دلیل ما، ۱۳۸۸ش؛ سفرنامه حجاز: محمد لیبیب البتونی، ترجمه: انصاری، تهران، مشعر، ۱۳۸۱ش؛ سیاحت درویش دروغین در خانات آسیای میانه: آرمینیوس وامبری، ترجمه: خواجه نوریان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش؛ سیمای فرهنگی ازبکستان: گروه نویسندگان، به سرپرستی عباسعلی وفایی، تهران، الهدی، ۱۳۸۴ش؛ شاه اسمعیل صفوی: مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه یادداشت‌های تفصیلی، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، ارغوان، ۱۳۶۸ش؛ شاه طهماسب صفوی: عبدالحسین نوایی، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰ش؛ شاه عباس صفوی: عبدالحسین نوایی، تهران، زرین، ۱۳۶۷ش؛ عباس نامه: محمد طاهر وحید قزوینی، به کوشش دهگان، اراک، داودی، ۱۳۲۹ش؛ عالم‌آرای صفوی: به کوشش یدالله شکری، تهران،

مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی؛ العرب و الاسلام فی اوزبکستان: بوریوی احمدوف و زاهد الله منوروف، به کوشش نعمت الله ابراهیموف، بیروت، شركة المطبوعات للتوزیع و النشر، ۱۹۹۹م؛ العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین: محمد الفأسی (م. ۸۳۲ق.)، به کوشش فؤاد سیر، مصر، الرساله، ۱۴۰۶ق؛ فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراء النهر: علی غفرانی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ش؛ میقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ النجوم الزاهرة: ابن تغری بردی الاتابکی (م. ۸۷۴ق.)، مصر، وزارة الثقافة و الارشاد القومي؛ نشر الریاحین: عاتق بن غیث البلادی، مکه، دار مکه، ۱۴۱۵ق؛ نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار: محمود بن هدایت الله افوشته‌ای نطنزی، به کوشش احسان اشراقی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ش؛ ویژگی‌های جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان: ابوالفضل عشقی، هادی قنبرزاده، مشهد، نشر نیکا، ۱۳۷۴ش.

کارمان محمدحسینی



ازدواج موقت: گونه‌ای از پیمان

مشروع زناشویی با تعیین مدت و مهر در

عقد

ازدواج موقت یا متعه، گونه‌ای از پیمان زناشویی است که در آن، مهر و مدت ازدواج معین می‌شود.^۱ برخی از فقیهان اهل سنت در

۱. نک: مصطلحات الفقه، ص ۴۶۸؛ معجم الفاظ الفقه الجعفری، ص ۲۱۸.